محورهاي مسائل فراخوان ايده‌هاي نوآورانه

22 مرداد 1402

در جلسه پنجشنبه 19 مرداد 1402 مقرّر شد محورهايي استخراج شود براي فراخوان ارسال كليپ‌هاي سه دقيقه‌اي. اين كليپ‌ها به هدف شناسايي نيروهاي نوآور و خلاّق در حل مسائل اجتماعي جمع‌آوري شده و پس از چند مرحله غربال به سه نفر نخست جوايزي قابل توجه اهدا خواهد شد.

# دليل

پيچيده شدن روابط اجتماعي و بروز مشكلاتي نو و تازه براي جامعه اسلامي، نه فقط ايران عزيز كه جهان اسلام، نياز به راه‌هاي جديد و نوآورانه را پديد آورده است.

نمي‌توانيم براي حل اين مسائل از روش‌هاي پيشين و تجربه‌شده استفاده كنيم و براي بهره‌مند شدن از بهترين ايده‌ها و نظرات گريزي نيست تا از عموم نيروهاي فعّال در جبهه مقاومت اسلامي ياري و مدد بخواهيم.

جمع‌آوري اين ايده‌ها نه فقط به يافتن راه‌حل‌هاي جديد منجر خواهد شد كه انگيزه‌هاي جوانان مستعدّ و دانش‌آموخته را براي فعاليت در محورهاي طرح شده بيدار خواهد كرد. اين نيروها پس از مواجه شدن با مسائل جهان اسلام به صورت طبيعي تلاش مي‌كنند در اين مسير گام بردارند، حتي اگر در ميان انتخاب‌شدگان فراخوان نباشند.

اين حركت و فراخوان كه محدود به زبان فارسي و داخل كشور نيست، مي‌تواند به بيداري اسلامي در مقياس جهاني و نهضت مقاوت ياري رساند.

# راه

شركت‌هاي دانش‌بنياني شناسايي شده‌اند كه در زمينه برگزاري گفتگوهاي مبتكرانه‌اي مانند TED تجربه و تخصّص دارند، ارتباطات مناسبي نيز با جهان اسلام و شتاب‌دهنده‌هاي اسلامي و همچنين شركت‌هاي داراي مديران مسلمان.

مي‌توانند اين فراخوان را به صورت عمومي نشر داده و از ظرفيت‌هاي ارتباطي و مديريتي خود استفاده كنند، تا نتايج قابل قبولي به دست آيد.

شركت مورد نظر پس از پيشنهاد و تصويب محورهاي موضوعات، برنامه فراخوان و تمامي مراحل عمليات اجرايي غربال‌گري و انتخاب تا مرحله نهايي را طراحي و با محاسبه هزينه‌ها اعلام خواهد كرد. پس از جذب حامي مالي نيز مديريت كامل اجراي اين پروژه را برعهده مي‌گيرد. برنامه‌اي كه انتظار مي‌رود هر ساله در زماني مشخص تكرار شود.

# محورها

موضوعات زير براي فراخوان پيشنهاد شده است:

1. مواسات و همدلي: انسان‌ها در كنار هم زندگي مي‌كنند و نياز به همكاري و همياري دارند. اتفاقاتي كه در دنياي امروز مي‌افتد و بحران‌هايي كه نظام سرمايه‌داري انسان مدرن را با آن‌ها مواجه ساخته اين نياز به همدلي و همكاري را بيش از پيش مهم و تأثيرگذار نموده است. مواسات و همدلي راهي مترقّي و شيوه‌اي فرامدرن براي حل مشكلات انسان‌ها به صورت محله‌اي، منطقه‌اي و جهاني‌ست. روشي كه در دوران فراگير شدن بيماري كوويد-19 در داخل كشور به كار گرفته شد و توانست توانمندي خود را به رخ جهانيان بكشد. درست در وقتي كه كشورهاي -از نظر ظاهر- توسعه‌يافته قادر به حل مشكلات شهروندان خود نبودند، نمي‌توانستند نيازهاي اقتصادي آن‌ها را مرتفع سازند و بر بحران‌هاي دارويي و بهداشتي و پزشكي فائق آيند، ايران توانست با كمترين آسيب اجتماعي اين مهم را به انجام رساند و كليد اين پيروزي اتّباع از مدل همدلي و مواسات بود.
2. سبك زندگي اسلامي: شركت‌هاي چند مليتي كه امروزه بر سياست، فرهنگ و اقتصاد جهان سايه انداخته و بر مراكز قدرت و ثروت و اطلاع چنبره زده‌اند براي رسيدن به منافع مادي و دنيوي خود سبك زندگي جديدي در دنيا ترويج كرده‌اند كه محصولي جز خُرد شدن و ذلّت انسان‌ها نداشته و ندارد. آدم‌هايي كه ناگزير تمام روز خود را كار مي‌كنند تا براي شركت‌ها «توليد» كنند و سپس هر چه درآمد كسب كردند را به شركت‌ها مي‌دهند تا بيشتر «مصرف» كنند. تمام ابزارهاي رسانه‌اي دنياي مدرن به كار گرفته شده تا حرص و طمع افزايش يابد و با افزايش مصرف، سود بيشتر را براي شركت‌ها به ارمغان آورد. اين چرخه بايد شكسته شود و جايي متوقف گردد. رواج سبك زندگي اسلامي مي‌تواند انسان را از اين بردگي خلاص كند.
3. ترويج معنويت و اخلاق: انساني كه جز به «خور و خواب و خشم و شهوت» بها ندهد و زندگي در دنيا را جز براي رسيدن به مطامع مادي نبيند، پس از اندك‌مدتي گرفتار انواع پريشاني‌هاي روحي و رواني مي‌شود و تعادل بشري خود را از دست مي‌دهد. نظريه‌هاي روان‌پزشكي مدرن براي -به گمان خود- حل اين معضل دست به دامان شمار فراواني از داروهاي اعتيادآور و آسيب‌زننده به جسم و جان انسان‌ها شده، تا بلكه حسّ خلأ معنوي را در نهاد بشر نابود كند. تعداد فراوان فرقه‌هاي نوپديد در دنياي امروز نيز گواه اين نياز است كه با دروغ و تزوير مروّجان اين فرقه‌ها به ناكجاهايي مانند: هوسراني اوشويي و كوئيلويي و خشونت‌هاي فاشيستي و داعشي كشيده مي‌شود. تنها راه نجات بشر امروز رواج معنويت و اخلاق مبتني بر «توحيد» است؛ باور و اعتقاد به يك خداي دانا، توانا و حكيم.
4. الگوهاي اقتصاد مقاومتي: خارج شدن انسان از مدار انسانيت و افتادن به دنياپرستي از آن‏جا ناشي مي‌شود كه براي يافتن حداقل نيازهاي زندگي خود محتاج بردگي در اقتصاد سرمايه‌محور است. اين انسان خود مي‌فهمد كه به چه نحو از نيرو و توان او بهره مي‌گيرند، ولي در تأمين نيازهايش محتاج نگه مي‌دارند، تا هر روز بيشتر و بيشتر براي سرمايه‌داران كار كند. اگر مدل‌هاي اداره نظام اقتصادي جامعه اصلاح شود، به نحوي كه انسان‌ها از كار خود به اندازه تلاشي كه مصروف داشته‌اند بهره ببرند و مجبور نباشند بيشتر اين درآمد را به شركت‌ها تحويل دهند، مي‌توانند با كار كمتر تمام آن‏چه را كه نياز دارند تأمين كنند و از بيگاري خلاصي يابند. روزي كه «ربا» تعطيل شود و بهره مديران از كار كارگران اندك باشد.
5. دستيابي به عدالت: دموكراسي مدعي عدالت سياسي بود، سوسياليسم مدعي عدالت اقتصادي و رواج رسانه‌هاي گروهي و گسترش آموزش عمومي و تخصّصي با ادعاي فراگير شدن عدالت فرهنگي. اما آن‏چه امروز در دنيا ديده مي‏شود چيزي جز نابرابري ظالمانه و ستمگرانه در تمامي اين حوزه‌ها نيست. جامعه بشري محتاج و نيازمند مدل‌ها و الگوهايي‌ست تا بتواند عدالت و برابري را بگستراند و ذهن‌هاي خلاّق و نوآور مي‌توانند طراح اين الگوها باشند.
6. استقلال و آزادي ملّت‌ها: تا پيش از پيدايش «جامعه ملل»‌ و «سازمان ملل» يعني دو جنگ جهاني، كشورهاي مسلح به تفنگ با استفاده از توان نظامي خود بر منابع كشورهاي ديگر مسلّط شده، ثروت‌ها را مي‌دزديدند و انسان‌ها را به بردگي مي‌كشيدند. استقلال و آزادي كشورها را با اهرم قدرت و به صورت كاملاً علني و روشن سلب كرده و به كشور خود ملحق مي‌نمودند. قوانين جديد جهاني نتوانست جلوي اين استكبار را بگيرد و امپرياليسم اين بار با كمك و ياري همان سازمان‌هاي بين‌المللي در تمامي عرصه‌هاي سياسي، فرهنگي و اقتصادي استقلال ملّت‌ها را سلب كرد و به آزادي بشر تير خلاص زد. مردم جهان امروزه به آگاهي عمومي در اين باره دست‏يافته‌اند و وابستگي‌هاي كشورهاي تحت ستم به گروه اندكي زورمند همگان را آزار مي‌دهد. اگر راهي بيابند قيام مي‌كنند و اگر اميد به آينده‌اي مستقل پيدا كنند سكوت خود را خواهند شكست.
7. رشد علم و پژوهش: وقتي پول در نظام سرمايه‌داري محور تعيين ارزش‌ها شد و بر همه رفتارهاي بشري سايه افكند، علم و پژوهش را نيز به بردگي كشيد. تحصيل در دانشگاه‌هاي برتر دنيا به پول بسته است و مهم‌ترين سفارش‌دهندگان به مراكز پژوهشي بزرگ دنيا را سرمايه‌داران تشكيل مي‌دهند. پس دانش در مسيري حركت كرد كه سرمايه خواست و مطالعات دانشمندان را به سويي سوق داد كه منافع بيشتري براي ثروتمندان داشته باشد. اين آسيب رشد نامتوازني را سبب شد كه امروزه در دايره علم و پژوهش شاهد آن هستيم. بي‌صبرانه در انتظار ايده‌هاي نوآورانه و خلاقيت‌محوري هستيم كه بتواند رشد علم را مستقل از خواست زراندوزان رقم بزند.

سيدمهدي موسوي موشَّح

مدينة قم المقدسة